



کامبیز فرمانیر

جنبش دانشجویی ایران

جنبش دانشجویی ایران واقعه‌ای است که ۳ دانشجوی آزاده ایرانی به دلیل انتقاد از استبداد و اعتراض به استعمار در خون خود غلتیدند. جنبش دانشجویی در تمامی سال‌ها و دهه‌های گذشته علیرغم نامساعد بودن فضا و محیط برای حرکت‌های دانشجویی به حرکت خود ادامه داده و امروز در جایگاهی نشسته است که یکی از پویاترین جنبش‌هایی است که در برهوت عدم نهاد مندی اجتماعی و ضعف نهادهای جامعه مدنی، بار مضاعف پیگیری مطالبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... ملت ایران را به دوش می‌کشد.

پویایی این جنبش نیز از آنجا بر می‌خیزد که این جریان همه ساله پذیرای خون تازه دررگ‌های خود است. همه ساله وبا ورود دهها و صدها هزار جوان جدید به محیط دانشگاهی، خطر رخت و سستی و دوربودن از مطالبات و خواست‌های اجتماعی از رخ محیط‌های علمی و دانشگاهی رخت برمی‌بندد و به حق می‌توان ادعا کرد که به برکت حضور همیشگی قشر جوان و آرمان خواه جامعه هیچ گاه فضاهای دانشگاهی از آرمان‌گرایی دور نمی‌شود و غبار مصلحت‌اندیشی‌های "سیاست پیشه گانه" بر پیکر آن نمی‌نشیند.

جنبش دانشجویی در ایران با وجود تمامی مشکلات، مصائب و سختی‌ها در ۶۰ سال گذشته به حرکت خود ادامه داده است و همچنان جایگاه خود را به عنوان پیشروترین جنبش اجتماعی که در غیاب نهادهای مدنی پویا و بالنده وظیفه نظارت، پرسشگری، مطالبه خواهی و آرمان طلبی را به یک جا به دوش می‌کشد، به وظیفه تاریخی خود عمل کرده و می‌کند.

جنبش دانشجویی ایران در ۱۰ سال گذشته دو نگاه مشخص به دانشگاه را از خود طرد کرده و در مقابل آن موضع گرفته است:

۱- یک نگاه، دید "ابزاری" داشتن به این جنبش بوده و هست که تلاش دارد نقش جنبش دانشجویی را در حد "ابزار چانه زنی" برای گروه‌های سیاسی تقلیل دهد.

این نگاه آفات و مصیبت‌هایی را بر پیکره جنبش وارد ساخت که هنوز هم التیام نیافته است. در چارچوب این نگاه، این جنبش باید در مواقع لازم وارد صحنه شده و در انتخابات مختلف از این گروه و آن دسته حمایت کند. اما اگر روزی جنبش دانشجویی به پیگیری مطالبات به حق صنفی، سیاسی، اجتماعی و... مورد دغدغه خود وارد صحنه شود در چارچوب این نگاه مرتکب گناه "تندروی" شده و هیچ یک از گروه‌ها و احزاب سیاسی برای دانشجویان قدمی بر نمی‌دارند.

به عبارت بهتر در این نوع نگاه ابزاری، دانشجو و جنبش دانشجویی‌ای خوب است که بشود روی آن حساب کرد و به عنوان عقبه و سیاهی لشکر گروه‌های سیاسی و احزاب مختلف در آید.

۲- نگاه دیگری که متأسفانه در سال‌های اخیر تشدید شده است نگاه "امنیتی" به این جنبش بوده است. در قالب این نگاه دانشگاه یک معضل و دانشجو فی نفسه محل امنیت کشور است. کوچک‌ترین مطالبه صنفی دانشجویان به سرعت رنگ امنیتی می‌گیرد و تلاش می‌شود یک تفکر قالب و کلیشه‌ای در دانشگاه حاکم شده و تکثر طبیعی و ایدئولوژیک محیط‌های علمی و دانشگاهی انکار شود.

این نگاه به دانشگاه و جنبش دانشجویی، با امنیتی کردن موضوع تلاش دارد تا در تعامل با فضای دانشگاه الگوهای مدیریتی و رفتاری "امنیتی" را در این فضای علمی تعمیم دهد و ناگفته پیداست که به دلیل عدم سنخیت این نگاه با واقعیت فضای علمی و دانشگاهی، این راه کار در نهایت به غیر از تشدید فضای رادیکالیسم در دانشگاه‌ها راه به جایی نمی‌برد. پر واضح است که امنیتی کردن فضای دانشگاه و تلاش برای "یونیفرمه" کردن دانشجویان (از طرز لباس پوشیدن تا نوع اندیشیدن) به طور تاریخی الگوی تجربه شده و شکست خورده‌ای است که به غیر از منافع آتی و زودگذر (و البته بسیار نامطمئن) چیزی رانصیب سیاست‌گذاران این ایده نمی‌کند. به نظرمی رسد جنبش دانشجویی امروز ایران، بیش از هر چیز به کسب استقلال عمل و دور کردن هیمنه حضور دولتی از فضای مدیریتی دانشگاه می‌اندیشد که این امر در صورت تحقق و تثبیت به طور یقین در گام نخست به نفع حاکمیت و در گام دوم به نفع دانشگاه، دانشجو، جنبش دانشجویی و جامعه است.

در پایان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که هر چقدر که جنبش دانشجویی تلاش کند تا خود را از دولت دور و به جامعه نزدیک کند، استقلال عمل بهتری برای پیگیری مطالبات خود و مردم خواهد داشت.

ژانویه ۲۰۰۹